

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی

پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد

بررسی کلام فلسفی در اندیشه‌ی غزالی با نگاهی به کتاب کلام فلسفی غزالی

استاد راهنما

دکتر رضا سلیمان حشمت

استاد مشاور

دکتر قاسم پور حسن

دانشجو

زهره آزادی

سال تحصیلی ۹۰-۹۱

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان: بررسی آرای کلامی فلسفی در اندیشه‌ی غزالی بر اساس کتاب کلام فلسفی غزالی	
نویسنده، محقق: زهره آزادی	
مترجم:	
استاد راهنما: دکتر رضا سلیمان حشمت استاد مشاور: دکتر قاسم پورحسن استاد داور: دکتر غلامرضا ذکیانی	
کتابنامه: فهرست مطالب	
واژه نامه: کلید واژه	
نوع پایان نامه:	بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۹۰-۹۱
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبایی
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	
تعداد صفحات: ۳۵۵	گروه آموزشی: فلسفه
کلید واژه ها به زبان فارسی: غزالی، جهان‌شناسی، قول به علل موقعی، علیت، ارتباط علی، قول به موجبیت، قدم عالم، معاد جسمانی، علم خداوند به جزئیات و کلیات	
کلید واژه ها به زبان انگلیسی: Al Ghazali, cosmology, occasionalism, determinism, casual connection, Bodily resurrection, God's knowledge about generals and individuals, world pre eternity	

تقدیم به پدر و مادر

به پدرم که بی دریغ می بخشد و بی چشمداشت دوست دارم

به مادرم که زیباتر از زیبایی او ندیدم

تقدیم به کسی

که همچون آفتابی بزرگ بر فراز من است

آن هنگام که از خویشتن در اطمینانم

و می‌پندارد که شک است

حال آن‌که به جز یقین نیست

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ

با تشکر از جناب آقای دکتر سلیمان حشمت

به پاس راهنمایی‌های ایشان

و سپاس فراوان به جناب آقای دکتر پورحسن

به پاس یاری‌های فراوان

و قدردانی بی انتها نسبت به جناب آقای دکتر ذکیانی

به پاس تمام زحمات ارزشمندشان

چکیده

غزالی همواره به عنوان یک متکلم اشعری مسلک شناخته شده که تحت تاثیر استادش جوینی به جرگه‌ی اشعریان در آمده بوده است. وی با تکیه بر آراء کلامی خویش به نقد بیست آموزه می پردازد و قائلین سه آموزه از میان آن‌ها را محکوم به کفر می کند. غزالی به بحث از بیست آموزه‌ی فلسفی به خصوص سه آموزه‌ی قدم عالم، عدم علم خداوند به جزئیات و محال بودن معاد جسمانی می پردازد و قائل بودن به این سه آموزه را توسط فلاسفه کفر تلقی می کند. شاید بتوانیم بگوییم در میان این سه به خصوص آموزه بحث قدم عالم بسیار چالش برانگیز است و از اهمیت خاصی برخوردار است. وی پس از شرح این آموزه‌ها، در باب صدور فتوای کفر به بیان شروطی می پردازد. غزالی در ادامه بحث تأویل را به میان می آورد و معتقد است که اگر بتوان سخن را تأویل کرد و اثری از کفر در آن مشهود نباشد، ما مجاز نیستیم که فردی را به مجازات مرگ برسانیم. در ادامه به بررسی جهان‌شناسی غزالی پرداخته، نگرش او را در بحث علیت بررسی می کنیم. بحث علیت در میان متکلمان اشعری متفاوت از فلاسفه است. اشعریان نظریات ابداعی فراوانی را از جمله نظریه‌ی کسب مطرح می کنند و قائل به مالکیت تام و تمام نسبت به خالق هست. در مقابل اینان فلاسفه قرار دارند که با بحث در باب عقول دهگانه و پیش کشیدن مسأله‌ی علل ثانویه معتقدند نظام عالم توسط مجموعه‌ای از علل اداره می شود. اما غزالی نظری بینابین ارائه می کند که تا حدی همراه با مبهم‌گویی شده است. علم خداوند به جزئیات و معاد جسمانی و بحث علیت و نیز معجزه که همواره یکی از بحث های کلامی قابل توجه بوده است، از دغدغه های غزالی است؛ که در این رساله با نگاهی کلامی به اثبات آنها از دیدگاه یک متکلم اشعری پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: غزالی، جهان‌شناسی، قول به علل موقعی، علیت، ارتباط علی، قول به موجبیّت، قدم عالم، معاد جسمانی، علم خداوند به جزئیات و کلیات

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	پیشگفتار.....
۲.....	۱- گفتار هایی در باب سوانح زندگی غزالی، آثار و آرای وی.....
۲.....	۱-۱- سوانح زندگی غزالی.....
۶.....	۱-۲- آثار غزالی.....
۸.....	۱-۳- بررسی نسبت های متقابل میان کلام و فلسفه.....
۱۱.....	۱-۴- غزالی متکلم فلسفی.....
۱۸.....	۱-۵- بررسی آراء غزالی با نگاهی به کتاب تهافت.....
۲۳.....	۱-۶- برخی آرای کلامی فلسفی غزالی با نگاهی به مجموع آثار او.....
۳۳.....	۱-۷- تأثر و تأثیر غزالی.....
۳۸.....	۱-۸- مقایسه ی غزالی با بزرگان فلسفه.....
۳۹.....	۲- نکاتی در باب فرانک گریفیل، نویسنده ی کلام فلسفی غزالی.....
۴۱.....	۳- بحث هایی پیرامون کتاب کلام فلسفی غزالی.....
۴۲.....	۳-۱- فصل سوم.....
۴۵.....	۳-۲- فصل چهارم.....
۴۶.....	۳-۳- فصل پنجم.....

۵۱ فصل ششم
۵۲ فصل هفتم
۵۷ منابع پیشگفتار
۶۱ مقدمه‌ی مؤلف
۸۵ ۱- نظر غزالی درباره‌ی نقش فلسفه در اسلام
۸۷ ۱-۱- رد فلاسفه در تهافت
۹۲ ۱-۲- فتوای غزالی علیه سه آموزه‌ی فلاسفه
۹۶ ۱-۳- کفر و ارتداد
۹۸ ۱-۴- فیصل التفریق
۱۰۵ ۲- آشتی میان عقل و شرع با تأویل
۱۱۲ ۲-۱- گونه‌های متفاوت عبارت در شرع
۱۱۴ ۲-۲- بحث درباره‌ی روش غزالی: ابن‌خیلان در برابر فخرالدین رازی
۱۱۹ ۲-۳- برهان و امر مخالف آن: تقلید
 ۳- جهان‌شناسی در اسلام آغازین: بسطی که منجر به تهافت الفلاسفه‌ی
۱۲۴ غزالی شد
۱۲۸ ۳-۱- اشعریّت و قول به علل موقعی یک نسل قبل غزالی
۱۳۴ ۳-۲- علل ثانویه در کلام اشعریان
۱۴۲ ۳-۳- دیدگاه فلاسفه در باب خلقت توسط علت‌های ثانویه

۳-۴- دیدگاه فلاسفه در باب این که این جهان ضروری است..... ۱۵۵

۳-۵- بررسی نظر غزالی در باب علیت در ام اس لندن..... ۱۵۸

۴- مبحث هفدهم تهافت الفلاسفه..... ۱۶۳

۴-۱- مقام اول: مشاهده اقتران‌های علی را اثبات نمی‌کند..... ۱۶۹

۴-۲- مسلک اول از مقام دوم: چگونه علوم طبیعی حتی در جهانی با علل موقعی

ممکن

است؟..... ۱۷۳

۴-۳- مسلک دوم از مقام دوم: توضیحی ذاتی از معجزه..... ۱۷۸

۴-۴- غلبه بر قول به علل موقعی: مقام سوم..... ۱۷۹

۴-۵- تفسیر ذهن گرایانه‌ی جولیان ابرمان از مبحث هفدهم..... ۱۸۳

۴-۶- نقد غزالی از فرایافت موجهات ابن سینا..... ۱۸۶

۴-۷- تفاوت فرایافت موجهات در فلسفه و کلام..... ۱۹۴

۴-۸- مقصود غزالی هنگامی که ادعا می‌کند اقتران‌های علی ضروری نیستند،

چیست؟..... ۲۰۱

۵- علم به اقتران علی ضروری است..... ۲۰۴

۵-۱- گفتمانی در باب جهان‌شناسی غزالی..... ۲۱۰

۵-۲- پنج شرط برای تفاسیر جهان‌شناسانه در تهافت..... ۲۱۶

۵-۳- موجیبت با در نظر گرفتن علم پیشین الهی..... ۲۲۲

- ۲۲۸.....۴-۵- علم پیشین الهی در کتاب احیاء علوم الدین.....
- ۲۳۴.....۵-۵- معجزات نبوی و ماهیت تغییر ناپذیر عادت خداوندی.....
- ۲۴۴.....۶-۵- معرفت ضروری در جهانی با علل موقعی.....
- ۲۴۸.....۷-۵- مقارنت حوادث با قضاوت های عقلی.....
- ۲۵۴.....۸-۵- تجربه از دیدگاه ابن سینا و غزالی.....
- ۲۶۳.....نتیجه.....
- ۲۵۵.....پی نوشت ها.....
- ۳۵۵.....کتابنامه ی مؤلف.....

پیشگفتار

تاریخ تفکر بشر همواره مشحون از حوادثی است که در آن انسان‌های بزرگ سهمی بسزا داشته‌اند. متفکرانی که علاوه بر متحول کردن زندگی خود، در زندگی دیگران نیز نقش مؤثری داشته‌اند و گاهی یک تفکر نسل‌های پیاپی را به حرکت درآورده است. خطوط فکری آن‌ها همچون امواجی از دل پر هیاهوی دریا است که امواج خروشان آن تا فرسنگ‌ها و فرسنگ‌ها و تا ساحل آرام پدیدار می‌شود. بدین‌سان تحول انسانی به منزله‌ی متحول کردن جامعه‌ی انسانی است اگر که این تحول، تحولی واقعی باشد. قطعاً آن که دلش به عشق زنده گردد نامش هرگز نمیرد و بر جریده‌ی عالم ثبت می‌شود. سخن ما در باب انسان‌هایی است که با متعالی کردن روح خود به تهذیب بشریت پرداخته‌اند و آشکار است که این بستر، ورای شرق و غرب جغرافیایی است و حکیم و متأله در تمام ادوار و در جای جای این کره‌ی خاکی مقبول عام و خاص است و در این عرصه تنها آن چه می‌ماند سخن ماندگاری است که میراث این بزرگان است. معیار شرافت سخن محدود به زمان و مکان نیست. انسانی که اول بار به نجات خود اقدام می‌کند شایستگی این را دارد که منجی نسل‌های پس از خود نیز باشد. سخن بر سر انسان‌های برجسته‌ای است که در تمامی ادوار زندگی بشر همچون اختراعی بر تارک آسمان علم و ادب بشریت درخشیده‌اند و نور آن‌ها همچون نور ستارگانی است که اگرچه صدها و هزاران سال پیش از دل کهکشان محو شده‌اند اما هم‌چنان در آسمان دل بشریت مایه‌ی روشنایی هستند. همانطور که نجات یک انسان نجات بشریت است اگر حتی یک نفر از پرتو پرفروغ آن‌ها بهره‌گیرد، مانند این است که بشریت نجات یافته است. اینان جدال برای دنیای فانی را غمی بیهوده پنداشتند و برخی از آن‌ها همچون غزالی مال و جاه را در این زندگی بدرود گفتند و به اهداف والای خود وقع گذاشتند. چه شیرین است داستان انسانی که بر نفس خود فائق آید و به جدال با خود برخیزد و الگویی برای مردمانی شود که دغدغه‌ی معاش زندگی آن‌ها را در بر گرفته است.

بخش اول

۱- (گفتارهایی در باب سوانح زندگی، آثار و آرای غزالی)

در این بخش قصد ما بررسی تحولات زندگی غزالی و تحولات در آرای وی و آثارش است. بنابراین، ابتدا به سراغ زندگی نامه‌ی این عالم می‌رویم و سوانح زندگیش را بررسی می‌کنیم. پس به بررسی آثارش پرداخته و در نهایت نیز به بررسی آرای وی در خلال زندگی پرفراز و نشیبش می‌پردازیم.

۱-۱ سوانح زندگی غزالی

در ابتدا اندکی به بررسی سوانح زندگی وی می‌پردازیم. در واقع می‌توانیم سوانح زندگی او را در چهار دوره بررسی کنیم:

الف- از بدو تولد تا تدریس در نظامیه‌ی بغداد

ب- تحولات فکری و عقیدتی در نظامیه‌ی بغداد، در این‌جا شایان ذکر است که ابتدا به بررسی تحولات عصر غزالی می‌پردازیم و پس تحولات فکری و عقیدتی وی را مطرح می‌کنیم.

ج- سرگردانی پس از تحول

د- بازگشت به دیار و رجوع به مسند تعلیم و تعلم تا پایان عمر

۱-۱-۱- از بدو تولد تا تدریس در نظامیه‌ی بغداد (۴۵۰ تا ۴۷۸ ه.ق)

الف- دوران کودکی: ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی، فقیهی شافعی (۵۴۰ ق/۱۰۸۵ م) در طابران طوس زاده شد. پدرش فقیری صالح بود و پس از فوتش، سرپرستی دو طفل او یعنی محمد و احمد به دوستش که مردی صوفی مسلک بود رسید و در آن هنگام آغاز به تحصیل علم و معرفت کرد. نخست در زادگاهش و پس در جرجان به تحصیل علم پرداخت (شریف، ۱۳۶۵، ص ۴). در بیست سالگی به نظامیه‌ی نیشابور راه یافت و در محضر ابوالمعالی جوینی و احمد راذکانی و

ابونصر اسماعیل جرجانی به تلمذ پرداخت. غزالی بی‌تردید یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عالمان مسلمان است که هم در دوران حیات خود مورد توجه قرار گرفته و هم پس از مرگ تا قرن‌های متمادی توانست با آرا و نظریات بدیع خود، بسیاری از متفکران را به دنبال خود آورد. زندگی وی فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. گاه با تحصیل در حوزه کلامی عالم فرهیخته‌ای چون امام الحرمین جوینی به عنوان متکلمی اشعری در راه تحصیل و تدریس قدم می‌گذارد و بعدها پس از درگذشت استاد خود به عنوان مدرسی موفق به درس و بحث مشغول می‌شود. وی پس از فوت استاد از نیشابور مهاجرت کرد و به درگاه خواجه نظام الملک پیوست (همایی، ۱۳۴۲، ص ۱۲۴).

ب- غزالی پس از ترک نیشابور (۴۷۸ تا ۴۸۴)

این هفت سالی است که همایی معتقد است کمتر نویسنده‌ای به آن پرداخته و غزالی طی این سال‌ها به مطالعه و تفحص پرداخته است. سال‌هایی که پیش از پیوستن او به نظامیه‌ی بغداد است.

ج- - غزالی در نظامیه‌ی بغداد (۴۸۴ تا ۴۸۸)

سال‌های تدریس غزالی در نظامیه‌ی بغداد است. به قول خود غزالی در طی این سال‌ها هم به مطالعه آن هم بدون استاد پرداخته و هم سیصد شاگرد را تعلیم داده است.

۱-۲- تحولات فکری و عقیدتی در نظامیه‌ی بغداد (۴۸۸ تا ۴۹۸)

مراحل مختلف زندگی غزالی با تحولات فکری او ارتباط مستقیم دارد. کودکی او در نظارت مردی صوفی که دوست پدر او بوده گذشت. پس او از کودکی با صوفیان آشنا بوده است. پس به نیشابور آمد و در محضر امام الحرمین جوینی به کسب علم پرداخت و خود در این مدرسه به سمت استادی رسید و یکی از ملازمان خواجه نظام الملک شد. این سال‌ها، سال‌هایی است که وی با کناره‌گیری از تدریس و پشت کردن به مال و جاه و شهرت، و روی آوردن به زهد و تصوف، رویکرد فکری و فلسفی‌اش را مشخص ساخت. وی پس از سفری طولانی که به اعتراف و عزلت گذشت، به نقد مذاهب کلامی و فلسفه‌های رایج زمان خویش پرداخت. سفری آغاز کرد و در این سفر ریاضت کشید و به تمام تفکرات شک کرد. وی متکلم و فقیهی نامدار بود. در زندگی نامه‌ی خود اظهار می‌کند که جستجوی بعد از یقین، اسباب سیر عقلانی و روحانی او را فراهم آورد. غزالی

در تاریخ فلسفه و کلام متفکری منحصر به فرد است؛ مکتب و روش او در میان همتایانش خاص خود اوست. وی در المنقذ چنین می گوید:

پس در حال خود نگریستم و ناگاه دیدم که غرق در تعلقاتم و از جوانب در میان آنها محصورم. اعمالم را نگاه کردم، دیدم بهترین آنها تدریس و تعلیم است و تازه در آن هم من به کار علومی پرداخته ام که نه اهمیت و نه سود آخرتی دارد. به خلوص نیت در کار تدریس اندیشیدم و دیدم آن هم ناپاک و برای خاطر خدا نیست (...).
روزی به رفتن از بغداد و دوری جستن از این احوال عزم می کردم و روز دیگر فسخ عزیمت می نمودم. یک پا پیش می گذاشتم و یک پا پس! (ص ۸۲)

به هر حال غزالی در ماندن و رفتن مردد گشته بود و سال ۴۸۸ است که وی بر وسوسه های شیطان فائق آمد و آغاز ترک دیار کرد و به دمشق و شام و بیت المقدس رفت و گوشه ای عزلت گزید.

۱-۱-۲-۱- اوضاع و تحولات عصر غزالی

عصری که محمد غزالی در آن می زیست مشحون از اختلافات فرق چهار گانه ای اهل سنت بایکدیگر مخصوصا فرقه های شافعی و حنفی در تمام بلاد اسلامی به ویژه خراسان و اصفهان یعنی پایتخت و مرکز سلطنت سلاجقه است که البته سابق بر این عصر نیز وجود داشت اما در عهد غزالی شدت و قوت یافت (همایی، ۱۳۴۲، ص ۲۰). گروهی اهل حدیث بودند و گروهی معتزله و گروهی اشعری. از نظر فقهی نیز دو گروه شافعی و حنبلی قوی ترین گروه ها در خراسان بودند. او آغاز به تحصیل معرفت نمود. معرفتی که بنیان گذار تحولاتی در تفکر وی و شاید تمامی اعصار شد. تا این زمان، مدارس اندکی در دنیای اسلام وجود داشت و بیشتر آموزش ها در مساجد انجام می گرفت. در این هنگام خواجه نظام الملک اقدام به تأسیس مدارس نظامیه کرد. این مدارس نه تنها در بغداد بلکه در اصفهان، هرات، بلخ، بصره، موصل و نیشابور نیز دایر شده بودند و در اصل مبتنی بر فقه شافعی و کلام اشعری بود. به همین دلیل نوعی رقابت با حنبله و حنفیان داشتند. مدرسه ای الازهر مصر نیز توسط خلفای فاطمی به قصد تربیت داعیان و مبلغان تأسیس شده بود. اما پذیرش در این مدرسه تنها به شرط شافعی بودن میسر بود و هرکسی برخلاف شافعی و مذهب اشعری سخن می گفت

اخراج می‌شد. (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶). بیشتر مردم در عهد سلجوقی اهل سنت بودند. شهر نیشابور که اولین محل تحصیل غزالی است سال‌های پرکشمکشی را می‌گذراند. حمله‌ی غزان به این شهر (۵۴۸) و نزاع میان شافعیان و نقیب علویان در سال ۵۵۳ و دستور حاکم نیشابور، مؤید امیر ترک به دستگیری بزرگان شهر در سال ۵۵۶ از حوادث عمده‌ی نیشابور در عصر غزالی است و از آن جا که شرایط عصر همواره یکی از عوامل مؤثر در فکر علما بوده، باید ذکر کنیم که گویی تمام ایران در حال گذار از شرایط سخت اعتقادی و مذهبی بوده است.

اما در این جا بد نیست نگاهی به وضعیت تصوف نیز داشته باشیم. موج صوفیان در این دوره هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد و هر بار که عالمی بزرگ میان صوفیان پدید می‌آمد دامنه‌ی نفوذ تصوف بیشتر می‌شد. شاید بتوان گفت در آن هنگام که آشفته‌گی مکاتب فکری روز به روز بیشتر شده بود، گرایش مردم به صوفی‌گری نیز روز افزون شده بود (جعفریان، ۱۳۷۸، ص ۳۶۵).

۱-۲-۲- تحولات فکری غزالی

غزالی در این عصر به عنوان یک عالم و فرهیخته به عرصه‌ی علمی وارد شد. پس از ورود به نظامیه‌ی نیشابور و انتقال به نظامیه‌ی بغداد شک تمام وجود او را فرا گرفت و نه تنها در باب اختلافات دین و سنت بلکه در هر علمی که در آن زمان رواج داشت.

. من از آغاز جوانی، از آن گاه که سالم به حد بلوغ رسید، پیش از رسیدن به سن بیست، تا کنون که عمرم از پنجاه سال در گذشته است همواره در این بحر بیکران، جسورانه بخلاف بیمناکان شناوری کرده‌ام، به هر گردابی فررفته، با هر موج خروشان‌ی دست به گریبان شده، از عقیده‌ی هر فرقه‌ای جستجو کردم و در صدد کشف راز هر طایفه‌ای برآمده‌ام تا تمیز دهم برحق کیست و رهسپر سنت چه کسی است برای این که حق را از باطل و سنت را از بدعت تمیز دهم. (غزالی، المنقذ من الضلال، ص ۲۰).

به هر حال همین روح حقیقت جو باعث شد غزالی هیچ گاه آرام ننشیند و همواره در جست و جوی حق و حقیقت باشد. به هر علم مانند عالم آن علم بنگرد و پس از منظر خویش به نقد آن

بپردازد. دغدغه او آن گونه که در المنقذ بیان می‌کند بازکردن قلاده‌ی تقلید و ترک عقاید موروثی است. او بیم آن را دارد که هرچه کسب کرده همان باشد که نبی اکرم می‌گوید: "الناسُ نیامٌ اذا ماتوا انتَبَهِوا". بنابراین شک را اساس کار خود قرار می‌دهد و به هر آن‌چه از علم کسب می‌کند به دیده‌ی یقین نمی‌نگرد. در این باره وی به نکته‌ای ارزشمند رهنمودمان می‌کند:

پس وقتی دانستم ده بزرگ‌تر از سه است اگر گوینده‌ای بیاید و بگوید سه از ده بزرگتر است به دلیل آن که من این عصا را به مار بزرگی تبدیل می‌کنم و واقعا هم این کار را بکنم و من هم بینم. شاید از تردستی او به حیرت درآیم ولی در آن‌چه دانسته‌ام به هیچ‌وجه دو دل نخواهم گردید. پس یقین کردم که آن‌چه را بدین وجه ندانم و این‌گونه درباب آن یقین به هم نرسم نه اعتمادی بر آن است و نه آرامش می‌بخشد و هر علمی که آرامش به دل ندهد علم یقینی نیست. (همان، ص ۲۲)

۱-۱-۳ سرگردانی پس از تحول

غزالی سفری را آغاز کرد و در این سفر به دمشق و شام و بیت المقدس سفر کرد. خلوت گزید و غم یار و اغیار را به یک سو نهاد. در صدد کسب معرفت یقینی بود. این حال، ده سال به طول انجامید و غزالی در این مدت مشهورترین کتاب‌های خود و مخصوصاً *احیاء علوم دین* را تألیف کرد

۱-۱-۴ بازگشت به نظامیه و رجوع به مسند تعلیم تا پایان عمر (۴۹۸ تا ۵۰۵)

هنگام پادشاهی محمد برادر برکیارق بود در سال ۴۹۸ و شاید از عوامل بازگشت غزالی به نظامیه، فخر الملک وزیر، پسر نظام الملک بود که در بغداد غزالی را دوباره به تدریس واداشت. به هر حال توقف غزالی در نیشابور بیش از دو سال به طول نینجامید که دیگر بار تدریس را ترک گفت و در طوس عزلت گزید و این اتفاق پس از مرگ فخر الملک بود (الفاخوری، ۱۳۸۶، ص ۵۲۱). پس غزالی در زادگاه خود، طوس، مدرسه‌ای را برگزید و تا پایان عمر در آن جا به تدریس پرداخت. وی هنگام فوت پنجاه و چهار سال داشت.

۱-۲- آثار غزالی

در این بحث ضروری است که به بررسی آثار غزالی بپردازیم. وی از دانشمندانی است که آثار و تألیفات بسیاری هم به فارسی و هم به عربی دارد.^۱ در یکی از مکاتیب فارسی اش نقل کرده در علوم دینی نزدیک هفتاد تصنیف کرده است و شاید در علوم دیگر نیز کتاب‌هایی داشته که در شمار علوم دینی نیاورده است^۲ (همایی، ۱۳۴۲، ص ۲۴۱)

۱-۲-۱ طبقه بندی آثار غزالی^a

ترتیب مولفات غزالی را از لحاظ تاریخی این‌گونه دسته بندی کرده‌اند هر چند سخن گفتن در این باب دشوار است در این جا فهرستی از این آثار غزالی ارائه می‌دهیم. این آثار به ترتیب زمانی عبارتند از:

الف- آثار سال‌های دانش اندوزی غزالی (۶۶۵ تا ۴۷۸ ه.ق): *التعلیقه فی فروع المذهب، المنحول فی الاصول*

ب- آثار نخستین سال‌های بحث و درس (۴۷۸ تا ۴۸۴ ه.ق)، مرحله ی بحث و درس و دانش تحصیل المآخذ فی علم الخلاف، مآخذ الخلاف، لباب النظر، فی علم الجدل، المعتصر، المنتحل نقاوه، البسیط فی الفروع، الوسیط، خلاصه المختصر، المبادی و الغایات، غلدور، الغور فی درایه الدور، تهافت الفلاسفه، مقاصد الفلاسفه، معیار العلم فی فن المنطق، معیار العقول، محک النظر فی المنطق، میزان العمل، المستظهری فی الرد علی الباطنیه، حجه الحق، الاقتصاد فی الاعتقاد، الرساله القدسیه فی قواعد العقلیه، المعارف العقلیه و لباب الحکمه الالهیه،

ج- آثار دوران خلوت نشینی و مردم‌گریزی غزالی (۴۸۸ تا ۴۹۹ ه.ق)

احیاء علوم الدین، کتاب فی مسئله کل مجتهد مصیب، جواب غزالی عن دعوه مؤید الملک له، جواب مفصل الخلاف، جواب مسائل الاربع سألها الباطنیه بهمدان من ابی حامد الغزالی، المقصد

^a مرتضی زبیدی در مقدمه‌ی خود بر شرح ده جلدی احیاء علوم الدین به نام اتحاف الشاده المتقین بشرح احیاء علوم الدین در باره‌ی امام محمد غزالی بحثی عالمانه کرده و در این بحث فهرستی از آثار غزالی آورده است (غزالی، احیاء علوم الدین، ص بیست و پنج)

الاسنى فى شرح الاسماء الله الحسنى، بدايه الهدايه، كتاب الوجيز فى الفقه، جواهر القرآن، كتاب الاربعين فى اصول الدين، كتاب المضمون به على غير اهله، المضمون به على اهله، القسطاس المستقيم، فيصل التفرقه بين الاسلام و الزندقه، القانون الكلى فى التأويل، كيميائى سعادت (فارسى)، ايها الولد، زاد آخرت (فارسى) الرساله اللدنيه، مشكاة الانوار، الكشف و التبيين، تلبس ابليس د-بازگشت به سوى مردم و دومين دوران بحث و درس (٤٩٩ تا ٥٠٣ ه.ق)

المنقذ من الضلال، كتاب فى السحر و خواص الكيمياء، غور الدور فى مسئله السريجه، تهذيب الاصول، كتاب حقيقه القولين، كتاب اساس القياس، كتاب حقيقه القرآن، المستصفى من علم الاصول، الاملاء على مشكل احياء.

د-آخرين سالهاى زندگى

الاستدراج، الدرّة الفاخرة فى كشف علوم الاخرة، سر العالمين و كشف ما فى الدارين، نصيحه الملوك (فارسى). جواب مسائل سئل عنها فى نصوص اشكلت على المسائل، رساله الاقطاب، الجوامع العوام

١-٣- بررسى نسبت‌هاى متقابل فلسفه و كلام

در اين جا مى‌خواهيم به بررسى ورود كلام به حوزه‌ى فلسفه و تأثيرات متقابل آن‌ها بپردازيم. در حقيقت پيدائش علم كلام را مى‌توانيم واكنشى به نهضت ترجمه‌ى فلسفه‌ى يونان و تقابل دين و فلسفه بدانيم. برخى هم چون متكلمين در صدد پاسدارى از دين برآمدند و هر آن چه كه با آن در تقابل بود، مردود دانستند. در مقابل كسانى چون فارابى و ابن سينا با تأكيد بر زمينه‌هاى مشترك فلسفه و اصول عقايد كوشيدند از اين نزاع بکاهند و بين اين دو آشتى برقرار كنند. اما در ميان خود متكلمين نيز در اين باره اختلاف وجود داشت. سؤال اين بود كه اصالت با عقل است يا با نقل؟ گاهى ميان آن‌ها بحث‌هاى كلامى گسترده‌اى پديد مى‌آمد و از اين ميان مكتبى ظهور مى‌کرد و تفكرات قابل توجهى را عرضه مى‌کرد.

١-٣-١- كلام معتزلى

معتزلیان با تکیه بر حفظ اصول عقاید همواره در صدد چاره جویی از طریق عقل بودند. بنابر نظر آن‌ها، هر کجا که اختلافی در اصول عقاید و مبانی عقلی پدید آمد، چاره جویی به عهده ی عقل است. بنیان گذار این مکتب واصل بن عطا بود.

۱-۳-۲- کلام اشعری

مکتب اشعری یک مکتب بیشتر دینی و کمتر فلسفی است. این نهضت فکری دو هدف عمده را دنبال می‌کرد؛ بررسی عناصر غیر اسلامی و زدودن آن‌ها و دیگری تلاش برای هماهنگی دین با فرهنگ اسلامی. اشعری به دنبال راهی میانه بین معتزله و اهل حدیث بود. اشعریان در باب مسائل کلامی، آرای خاص خود را اتخاذ کرده اند. اینان از یک سو مخالف ورود عقل به ساحت مبانی دینی و از طرف دیگر در صدد تحقق استوار کردن مبانی فکری خود بر اساس عقل هستند. اما در این بحث آن چه که برای ما اهمیت دارد بررسی ماهیت ساختار مابعدالطبیعی اشعری برای هماهنگ ساختن عقل و وحی است.

۱-۳-۳- مکتب اشعری و تدوین یک نظام برای آشتی عقل و وحی

اشعریان دیدگاهی کاملاً کلامی داشتند. آن‌ها به دنبال بنای نظامی بودند که برای رسیدن به هدف اصلی‌شان یعنی دفاع از ایمان ضروری بود و در این طریق راهی به جز استفاده از عقل نداشتند. نظامی که آن‌ها در صدد تدوین آن بودند بایستی حیطه‌های معینی از عقل و وحی را در خود پذیرا می‌بود. ابوبکر باقلانی نخستین کسی بود که به تدوین این نظام پرداخت (اکبریان، ۱۳۸۶، ص ۳۷۵). این امر موجب شد که باقلانی تا حدی از اصول آغازین اشعری که جزء مبانی فکری آن‌ها بود فاصله بگیرد. وی با این کار، راهی برای تقرب فلسفه و کلام گشود.^۳ البته بحث در این باب بسیار گسترده است و محققان غرب و شرق نظریات گوناگونی را ارائه کرده‌اند در باب این که نخستین کسی که باب بحث‌های فلسفی را به کلام گشود چه کسی بوده است.

۱-۳-۴- ذریگیری

^۳ محققان بعدی باقلانی را مطرح کننده‌ی مکتب اصالت ذره می‌شمارند هر چند که این مکتب متعلق به پیش از مکتب اشعری است.

در همین جا بحثی داشته باشیم که در انگلیسی به آن (Atomism) می‌گویند. واژه‌ی ذره یا اتم پس از ترجمه‌ی آثار یونانی، در آثار کلامی و فلسفی مسلمانان وارد شد. لفظ جوهر در زبان عربی بازتابی از همین اتم بود. این که اشیا از اجزائی تشکیل شده‌اند و این اجزاء تقسیم‌ناپذیرند یا خیر محل بحث بسیاری از متکلمان و فلاسفه بوده است. اما آن چه در این جا اهمیت دارد نظر اشاعره در این بحث است. باید توجه داشته باشیم که فلاسفه، بحث ذریگری را انکار کردند و قائل به آن نبودند.^a اما برخلاف آن‌ها، متکلمین قائل به ذریگری شدند و بنا بر ملاحظات غیرمستقیم دینی آن را پذیرفته و به تقویت آن به وسیله‌ی براهین دینی پرداختند. پذیرش ذریگری مصادف بود با انکار علیت و طبیعی است که این امر به مذاق متکلمین خوش آمد و باب طبع فلاسفه نبود. اما در این میان غزالی روش خاص خود را داشت. او در عین حال که به انکار علیت پرداخت اما در عین حال زیر بار ذریگری هم نرفت (ولفسن، ۱۳۶۸، ص ۵۰۴-۵۰۲). این ذرات از خود هیچ قدرتی نداشتند و از آن جا که تشکیل دهنده‌ی اجسام بودند اشعریان به راحتی می‌توانستند قوا را از اجسام سلب کنند و به آن‌ها هیچ قدرتی ندهند و در نتیجه بتوانند قدرت خالق را بیش از پیش بیفزایند.

صاحب نظران اشعری می‌گفتند که عالم یعنی ماسوی الله متشکل از ذرات و اعراض است و عرض در دو آن متوالی پایدار نمی‌ماند، بلکه مدام توسط خداوند آفریده می‌شود و خداوند به اراده‌ی خود آن‌ها را می‌آفریند یا معدوم می‌سازد. به همین ترتیب ذراتی که اعراض در آن‌ها سرشته شده مدام توسط خداوند آفریده می‌شوند و فقط به مدد عرض تداوم یا بقا که خداوند در آن‌ها می‌آفریند می‌توانند بپایند (اکبریان، ۱۳۸۶، ص ۳۷۶)

تفکرات اشعریان پیشین همه به عنوان مقدمه‌ای شد که آماده‌گر زمینه طرح فلسفه‌ی کسانی چون غزالی و فخر رازی است. غزالی بود که مابعدالطبیعه‌ی اشعری را به کمال رساند و بیشتر به خاطر وی بود که مردم مطالعه‌ی دین و فلسفه را در کنار یکدیگر آغاز کردند.

^a جهان بینی ارسطویی که قائل به جریان های علی بود که به نحوی ماشین وار پیش می‌آمد با قصد آشکار اشاعره در اثبات حق مخصوص خداوند که می‌تواند آزادانه و آمرانه در جهان عمل کند، جور در نمی‌آید (اکبریان، ۱۳۸۶، ص